

منع فعالیت شرکت‌های نفتی در ایران

هزار و یک شب

بدون شک، اگر زیان شرکت‌ها و مؤسسات تأمین مالی غرب و آمریکا، در نتیجه تحریم‌های نفتی ایران بیش از زیان‌های اقتصادی ایران نباشد، کمتر از آن، نیست.

در حالی که ائتلاف ۵+۱ در حال مذاکره در خصوص چگونگی برخورد با ایران بر سر فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز این کشور هستند، تعدادی از صندوق‌های سرمایه‌گذاری و بازنشستگی آمریکایی در حال اعمال فشار بر شرکت‌های نفتی آسیایی و اروپایی می‌باشند تا در مورد سرمایه‌گذاری در ایران تجدیدنظر کنند. به همین علت، تعدادی از صندوق‌های مالی از ایالت‌های نیویورک، کالیفرنیا، کارولینای شمالی و ایلینوی، چندی پیش، در نامه‌ای با اشاره به خطراتی که تحریم‌های بین‌المللی متوجه سرمایه‌گذاری در ایران می‌کند به هشت شرکت نفتی خارجی در خصوص همکاری با تهران و سرمایه‌گذاری در این کشور هشدار دادند. در همین خصوص، چندی پیش روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز، با اشاره به این که صندوق‌های مالی آمریکا بیش از ۳/۷ میلیارد دلار سهام و ۵۷۰ میلیارد دلار دارایی در کمپانی‌های انرژی فعال در بخش انرژی ایران دارند، نوشت: صندوق‌های مالی و بازنشستگی آمریکا، یک نامه دو صفحه‌ای برای روسای شرکت‌های شل، توتال فرانسه، گاز پروم روسیه، رپسول اسپانیا و انی ایتالیا در اروپا و شرکت ملی نفت چین، شرکت نفت و گاز هند و شرکت اینپکس ژاپن در آسیا فرستاده‌اند.

نیویورک تایمز در ادامه، با اشاره به این که تعداد زیادی از شهرداران و قانون‌گذاران آمریکایی، به دنبال راهی برای ممنوع کردن سرمایه‌گذاری صندوق‌های مالی ایالت‌هایشان در کشورهایی مانند ایران و سودان هستند - اخیراً ایالت فلوریدا به عنوان اولین ایالت در آمریکا چنین قانونی را به تصویب رسانده است - نوشت: صندوق‌های مالی و بازنشستگی معمولاً با چنین اقداماتی مخالفت می‌کنند، زیرا چنین حرکتی را به عنوان عامل محدودکننده توان خود در سرمایه‌گذاری می‌بینند، ولی صندوق‌های ائتلافی برای اعمال فشار بر ایران، این پیشنهاد را طی نامه‌ای به شرکت‌های مذکور داده‌اند. در این نامه، با تکرار این ادعای بی پایه و اساس که ایران از تروریسم حمایت می‌کند، آمده است: «به احتمال زیاد، شدیدتر شدن تحریم‌های اقتصادی، تأثیرات منفی بر روی شرکت‌هایی که طرف معامله با ایران هستند، خواهد گذاشت.» این در حالی است که مک کورمک، سخنگوی



وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرده که ایالات متحده اقدامات خود را برای جلوگیری از دسترسی آزادانه ایران به بازارهای مالی بین‌المللی افزایش خواهد داد. همچنین، وی با تأکید بر اراده واشنگتن برای متوقف ساختن فعالیت‌های هسته‌ای ایران گفته است: «ایالات متحده همچنان مصمم است تا در صورت عدم پذیرش درخواست‌های جامعه جهانی از سوی ایران، از قوانین و دستورهای اجرایی اقتصادی در داخل آمریکا برای افزایش فشار بر شرکای تجاری و نفتی ایران به صورت یکجانبه استفاده نماید.»

تب سرد اسرائیل

گزارش نیویورک تایمز و سایر رسانه‌های بین‌المللی در خصوص تلاش غرب برای محدود کردن سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، در شرایطی منتشر می‌شود که بنیامین نتانیاو، دبیرکل حزب لیکود اسرائیل، به منظور رایزنی با مقامات کاخ سفید برای افزایش فشار بر ایران در طول سال گذشته، بارها به واشنگتن سفر کرده تا دور تازه‌ای از محدودیت‌های مالی و اقتصادی جهان غرب علیه تهران را مخصوصاً در حوزه تحریم صنایع نفتی ایران سازمان‌دهی کند. نتانیاو در جریان سفرهای خود به آمریکا، چندین بار با دیک چین، معاون اول جرج بوش، هیلاری کلینتون سناتور سرشناس حزب دمکرات و جان مک‌کین، نامزد حزب جمهوری خواه آمریکا مذاکره کرده تا پروژه «فشار اقتصادی بر ایران» را که پیشتر توسط او و با فشار بر صندوق‌های بازنشستگی آمریکا کلید خورده بود، پیگیری کند. وی در ادامه اقدامات خصومت‌آمیز خود علیه تهران، با مقامات اقتصادی نیویورک نیز دیدار کرده تا از آنها بخواهد همانند تعهدات پیشین، رؤسای چهار صندوق اصلی سرمایه‌گذاری بازنشستگان آمریکایی از سرمایه‌گذاری اشخاص و نهادهای آمریکایی در صنایع بالادستی ایران، مخصوصاً صنایع نفتی ممانعت کنند.

نتانیاو در گذشته نیز بارها از صندوق‌های بازنشستگی چند میلیارد دلاری آمریکا درخواست

کرده بود به منظور اعمال فشار بر تهران، جهت علیق فعالیت‌های هسته‌ای، دارایی‌های خود را از کمپانی‌هایی که با ایران همکاری می‌کنند خارج کنند. نتانیاو با اشاره به این که فشار اقتصادی مسیر مناسبی برای مقابله با ایران است، گفته است: «اگر ۵۰ صندوق بازنشستگی در آمریکا سرمایه‌هایشان را از شرکت‌هایی که با ایران کار می‌کنند خارج کنند، چنین کاری تأثیر شدیدی بر اقتصاد ایران خواهد داشت و این برای ایران، از جنگ و درگیری نظامی بدتر است.» بنابر مدعیات نتانیاو که به نمایندگی از سوی وزارت خارجه اسرائیل، تلاش‌های گسترده‌ای را برای تحت فشار قرار دادن ایران انجام داده، عدم سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران کمک می‌کند مقامات ایران متقاعد شوند که در سیاست‌های خود تجدیدنظر کنند. بسیاری از تحلیل‌گران می‌گویند که اقدامات آمریکا و اسرائیل برای جلوگیری از سرمایه‌گذاری در ایران می‌تواند خطری برای توانایی ایران در ادامه تولید و صادرات نفت و گاز در دو دهه آینده باشد.

فرانسه، بازیگر ذخیره

شاید تلاش‌های مقامات تل آویو به عنوان دشمن استراتژیک جمهوری اسلامی و همچنین تلاش‌های آمریکا در زمینه اعمال فشار به ایران، از آن جهت که ایران هسته‌ای را تهدیدی برای منافع خود در منطقه می‌بیند، تا حدودی توجیه‌پذیر باشد اما فرانسه نیز از زمان روی کار آمدن نیکلا سارکوزی به عنوان رییس جمهور، تلاش‌های گسترده‌ای را برای تحریم اقتصادی ایران آغاز کرده است. سکاتر جدید کاخ الیزه با تغییرات گسترده‌ای که در سیاست خارجی پاریس نسبت به تهران به وجود آورده، نه تنها تلاش برای شکست ایران در شورای امنیت سازمان ملل و محرومیت در بازارهای بین‌المللی را افزایش داده، بلکه با بی‌توجهی به خسارت‌های ناشی از، از دست دادن بازار ایران در فرانسه، فشارهای گسترده‌ای را بر بانک‌ها و شرکت‌های نفتی فرانسوی آغاز کرده است. برای مثال، بانک سوسیتد جنرال فرانسه که زمانی همراه با سایر بانک‌های اروپایی به رهبری دوپچه بانک آلمان در تأمین فاینانس پروژه فاز ۹ و ۱۰ میدان گازی پارس جنوبی، با صنعت نفت ایران همکاری می‌کرد، از زمان روی کار آمدن سارکوزی در فرانسه، دیگر مشارکتی در تأمین فاینانس پروژه‌های نفتی و گازی ایران نداشته است.

این در حالی است که قرار بود این بانک در تأمین مالی پروژه‌های ۱۷ و ۱۸ میدان گازی پارس جنوبی نیز با ایران همکاری داشته باشد، اما به علت فشارهای کاخ الیزه و به بهانه این که شرکت‌ها و بانک‌های فرانسوی باید از تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران پیروی کنند، این بانک به ناچار، از ادامه همکاری با ایران صرف نظر کرد. فشار دیگری که شرکت‌های نفتی و شرکت‌های فروشنده تجهیزات مورد نیاز

صنعت نفت از زمان روی کار آمدن سارکوزی در فرانسه احساس کرده‌اند، جلوگیری شدید دولت فرانسه از فروش کالاهای صنعتی و هر گونه دانش فنی بوده که بتواند منجر به پیشرفت پروژه‌های نفت و گاز ایران گردد. فشارها بر شرکت‌های فرانسوی در شرایطی صورت می‌گیرد که همین شرکت‌ها در زمان حضور ژاک شیراک رییس‌جمهور سابق فرانسه،

آمریکا و فشار بر مثلث چین، هند و روسیه

قصه نعل و میخ

نزدیک به ۸۰ میلیون دلار از کالاهای مورد نیاز پروژه‌های نفت و گاز ایران را تأمین کرده بودند. در نتیجه باید گفت که چنین تلاش‌هایی برای متقاعد کردن بانک‌های بین‌المللی و شرکت‌های نفتی برای خروج از ایران، می‌تواند تهدیدی برای پروژه‌های ایران جهت توسعه میادین نفت و گاز باشد. ■

ارتباط با پکن در اختیار داشته و هر وقت که بخواهند می‌توانند آنها را در بازی‌های دیپلماتیک خود به روی میز تصمیم‌گیری بگذارند و این همان لحظه‌ای است که چین به شدت از آن واهمه دارد. هند نیز همانند چین گام‌های بلندی را برای دستیابی به منابع بلندمدت و تضمین شده انرژی برداشته و در همین راستا این دو کشور نگاه استراتژیکی به منابع انرژی ایران داشته‌اند که تحریم خرید نفت ایران بزرگترین شوک به اقتصاد این دو کشور خواهد بود. ایران از دیدگاه چین و هند دارای فرصت‌های چشمگیر و ارزشمند انرژی است و قراردادهای میلیاردری چین با ایران و پروژه خط لوله گاز ایران به هند نیز در همین راستا صورت گرفته است.

رفیق شفیق

موقعیت استراتژیکی ایران، تمایل این کشور به قراردادهای بلندمدت انرژی به منظور توسعه صنعت انرژی داخلی و ناتوانی شرکت‌های بزرگ نفتی آمریکایی برای حضور در پروژه‌های نفت و گاز ایران - به علت تحریم ایران از سوی آمریکا - موجب شده است ایران به "رفیق شفیق" شرکت‌های هندی و چینی تبدیل شود. با این وجود، به نظر می‌رسد این دو کشور به بهانه فشارهای وارده از سوی آمریکا هنگامی که سر میز معامله و گفت‌وگو با ایران می‌نشینند، سعی دارند به نوعی از شرایط موجود سوء استفاده کنند و برای انعقاد قرارداد با ایران، خواستار ارزان‌فروشی نفت و گاز از سوی تهران و یا وارد کردن بندهای منفعت طلبانه‌ای به متون قرارداد شوند. این همان چیزی است که با نگاهی به پیش‌شرط‌های جدید هند برای حضور در قرارداد خط لوله صلح، به خوبی می‌توان شاهد آن بود.

در مورد روسیه نیز باید گفت که این کشور به مدد قیمت‌های بالای نفت و گاز و تسلط یکجانبه‌ای که برای تأمین انرژی مورد نیاز اروپا در اختیار دارد، تمایلی برای رونق گرفتن صنعت نفت و گاز ایران ندارد. سران کاخ کرملین می‌دانند که ایران بعد از روسیه، دومین ذخایر گازی دنیا را در اختیار دارد و می‌تواند در صورت ورود اروپا به بازار ایران به رقیبی جدی برای کشورشان در زمینه صادرات گاز تبدیل شود. به همین علت، سران این کشور هر وقت که بحثی در خصوص تأمین گاز اروپا از ایران یا عبور خط لوله‌ای از این کشور، به صورت جدی مطرح می‌شود با کارشکنی‌ها و دادن پیشنهادات مشابه سعی می‌کنند که مانع از تبدیل شدن تهران به رقیبی جدی در زمینه صادرات انرژی شوند. این در حالی است که روسیه نشان داده که شریک قابل اعتمادی برای اروپا در زمینه انرژی نیست. در ماجرای قطع صادرات گاز این کشور به اروپا، کشورهای اروپایی نیز فهمیده‌اند که در اتکای صرف به منابع انرژی روسیه اشتباه کرده‌اند و اکنون به دنبال منابع جایگزین و رقیب برای روسیه می‌گردند. ■

برای چین و هند حفظ روابط با آمریکا از اهمیت بالایی برخوردار است، حتی اگر بوی خوش نفت ایران مدهوششان کرده باشد. از سوی دیگر، روس‌ها قابل اعتماد طرفین نیستند.



ایالات متحده آمریکا می‌داند که برای هرگونه اقدام وسیع علیه صنعت نفت ایران، باید از حمایت چین و روسیه برخوردار باشد. کارشناسان بازار جهانی انرژی بر این باورند که چین به عنوان عضو دائم شورای امنیت و دارنده حق وتو که به شدت نیازمند نفت خاورمیانه و ایران است، هرگونه قطعنامه علیه صنعت نفت ایران را وتو یا بسیار تضعیف خواهد کرد. با توجه به این که ارزش مبادلات تجاری ایران و چین در ۱۵ سال گذشته ۵۰ برابر شده است، منافع تجاری چین در ایران و نیاز آن کشور به منابع انرژی، آن را بر سر دو راهی در مورد تحریم اقتصادی برنامه هسته‌ای ایران قرار داده است. چین، هم‌اکنون باید میان نیازش به انرژی ایران و خواستش برای ایفای نقش در عرصه سیاست بین‌الملل توازن ایجاد کند و اکنون مسأله هسته‌ای، منافع گسترده تجاری چین در ایران را تحت تأثیر قرار داده است.

چین در هر شرایطی نمی‌خواهد روابط تجاری و اقتصادی خود را با ایران که با محوریت عرضه انرژی از سوی ایران شکل گرفته از دست بدهد. با این وجود، برای چین، حفظ روابط اقتصادی و سیاسی با آمریکا در اولویت است. هرچند که چین اساساً با اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه ایران مخالف است و آن را ابزار مناسبی برای اعمال فشار بر تهران نمی‌داند، اما به باور عده‌ای دیگر از کارشناسان، وتو کردن قطعنامه تحریم ایران توسط چین، مورد بحث است و برای پکن، تحریم سومین تأمین‌کننده نفت آن کشور، بعد از آنگولا و عربستان، یک تصمیم دشوار است. مقامات چینی می‌دانند که تحریم نفتی ایران مخاطرات و پیامدهای متعددی برای اقتصاد آنها به دنبال خواهد داشت و تأثیر آن بر بازار نفت، بیشترین خطرات را برای آینده انرژی این کشور رقم خواهد زد، که تشدید رقابت برای دستیابی به منابع جدید نفتی از جمله آنها خواهد بود. در واقع، سران پکن هرچند همانند سران سایر کشورهای گروه ۵+۱ خواستار شفافیت بیشتر تهران در زمینه برنامه‌های

ایمی خود هستند ولی علاقه بسیار زیادی به منابع عظیم نفت و گاز ایران داشته و نه تنها نگرانی‌های شرکای بین‌المللی خود را مد نظر قرار می‌دهند بلکه طوری رفتار می‌کند که منافع خود را در تهران در خطر قرار ندهند. به همین علت است که این کشور با وجود فشارهای آمریکا علیه ایران برای توقف غنی‌سازی و بی‌توجهی به هشدارهای کشورهای غربی، همچنان قراردادهای چند میلیارد دلاری در صنعت انرژی ایران به امضا می‌رساند.

چندی پیش، شرکت نفتی سینوپک به عنوان بزرگترین شرکت پالایشگاهی چین، در قراردادی با ایران متعهد شد ۲ میلیارد دلار برای توسعه میدان نفتی یادآوران سرمایه‌گذاری کرده و واردات نفت خود را از ایران تقریباً سه برابر کند و به ۱۶۰ هزار بشکه در روز برساند. چین همچنین علاقه زیادی به منابع غنی گازی ایران دارد، منابعی که این کشور را بعد از روسیه در رتبه دوم دنیا قرار داده است. با تمام این اوصاف، چین هنوز به مرحله‌ای نرسیده که بتواند در روابط خود با غرب و به خصوص آمریکا تغییرات اساسی بدهد، چرا که آنها نیز کارت‌های اقتصادی تأثیرگذاری در